

خلاصه : بی شک یکی از مهم ترین چالش های پیش روی نظام بانکی کشور طی چند سال اخیر سیر فزاینده مطالبات معوق بوده که محصول پرداخت تسهیلات غیر واقعی، کارشناسی نشده و نابجا می باشد، این روند افزایشی مطالبات بر شبکه بازار پول و عملکرد نظام بانکی تاثیر گذاشته و توان وام دهی بانک ها را بیش از پیش تضعیف کرده است. در مقاله پیش رو این مسئله بیشتر بررسی شده و راهکارهای برای مقابله با آن ارائه می شود .

شماره : 37

تاریخ : 1393/04/05

موضوع : وصول مطالبات

متن : بی شک یکی از مهم ترین چالش های پیش روی نظام بانکی کشور طی چند سال اخیر سیر فزاینده مطالبات معوق بوده که محصول پرداخت تسهیلات غیر واقعی، کارشناسی نشده و نابجا می باشد، این روند افزایشی مطالبات بر شبکه بازار پول و عملکرد نظام بانکی تاثیر گذاشته و توان وام دهی بانک ها را بیش از پیش تضعیف کرده است. در مقاله پیش رو این مسئله بیشتر بررسی شده و راهکارهای برای مقابله با آن ارائه می شود . مقدمه نظام بانکی یکی از ارکان اصلی هر نظام اقتصادی است که عملکرد صحیح و اصولی آن میتواند به رشد و شکوفایی نظام اقتصادی کمک کند در غیر این صورت ضربه های سنگینی را بر پیکره ی اقتصاد وارد خواهد کرد. یکی از معضله هایی که نظام بانکی کشورهای مختلف از جمله کشور ما با آن روبرو است، افزایش مطالبات سررسید گذشته و معوق بانکهاست که همچون اقیانوسی منجمد نسبت به کل تسهیلات اعطائی در شبکه بانکی کشور خودنمایی می کند. این موضوع ، بیانگر کاهش کیفیت دارایی های شبکه ی بانکی و به تبع آن بی ثباتی های مالی احتمالی را در پی دارد. از آنجائی که تمام بار نظام مالی کشور بر دوش نظام بانکی بوده کاهش حجم این نوع مطالبات، بیانگر توانایی بانک ها در حفظ منابع موجود و بالا بودن حجم این نوع تسهیلات غیر جاری نیز بیانگر تهدید منابع بانکی و بدون شک دغدغه ای ملی می باشد. بدهکاران و گروه های گریزان از تسویه ی بدهی به نظام بانکی را می توان به شرح ذیل طبقه بندی نمود: 1* سوءاستفاده کنندگان؛ اولین گروه از بدهی های معوق سیستم بانکی، مربوط به وام های کلان اعطائی به افراد یا شرکت ها با فعالیت های ظاهراً موجه و مورد حمایت دولت بوده که از آنها برای مقاصد دیگری استفاده شده و پس داده نمی شود یا اینکه اعطای تسهیلات با ارقام بسیار بالا به مؤسساتی صورتی که در عمل هیچ نوع فعالیت واقعی و خارجی ندارند، انجام می گیرد. در هر حال روشن است که در این قبیل موارد با کلاهبرداری های آشکاری مواجه ایم که ارتباطی با مقولات متعارف اقتصادی نداشته و نمونه ی بارز از فساد می باشند که متأسفانه بر اساس رتبه بندی های جهانی در کشور ما گسترش غیر قابل قبولی داشته است. اینکه چه مقدار از مطالبات معوق بانک ها از این دسته اند، روشن نیست. رواج این گونه تخلفات، صرف نظر از کاستن منابع بانک ها، پیامدهای اجتماعی منفی نیز در بردار که نتیجه ی آن تخریب فضای کسب وکار و ایجاد جو نامساعد برای فعالیت های موجه اقتصادی می باشد 2* شرکت های دولتی یا خصوصی؛ علی رغم فقدان بیان دقیق و رسمی آمار مطالبات معوق به تفکیک بدهکاران دولتی و خصوصی، اطلاعات موجود حاکی از آن است که بخش بزرگی از این مطالبات به شرکت های دولتی یا وام هایی که به وسیله دولت تعهد شده است، مربوط می باشد. برخی از شرکت ها در عملکرد خود، تابع دستورالعمل ها و مصالح دولت هستند و نمی توانند صرفاً بر اساس صلاحدید خود و ملاحظات مربوط به سود و زیان رفتار کنند. به بیان دیگر می بایست این قبیل شرکت ها را بازوی دولت تلقی نمود نه مؤسساتی که به دنبال فعالیت های انتفاعی متعارف هستند. با این همه، واقعیت این است که شرکت های دولتی، از هر نوعی که باشند، هم پشتوانه ی مستحکم تری دارند و هم در چانه زنی با بانک ها و مؤسسات اعطاکننده تسهیلات از قدرت بیشتری نسبت به بخش خصوصی برخوردارند. حضور آنها در عرصه ی اقتصاد و امتیازاتی که دارند، محدودیت های مختلفی را برای بخش خصوصی پدید می آورد که یکی از آنها، کاهش منابع بانکی قابل دسترس برای بخش خصوصی است. استقرار شرکت های دولتی از شبکه ی بانکی که بی تردید در مقایسه با شرکت های خصوصی با سهولت بیشتری صورت می گیرد، منابع موجود برای استفاده بخش خصوصی را محدود و بر هزینه های مرئی و نامرئی آن ها می افزاید. در همین حال، پشتوانه ی محکم تر و قدرت چانه زنی بیشتر شرکت های دولتی، تمدید بدهی های بانکی آنها را تسهیل می کند و در صورت معوق شدن این بدهی ها نیز، واکنش ملایم تر بانک ها را در پی دارد. همه اینها به آن معنی است که در شرایط بحرانی و محدود شدن منابع بانکی، فشار بانک ها برای وصول مطالبات خود به گونه ای نامتعادل بر بخش خصوصی وارد می شود. 3* تکلیفی ها و افراد خاص: صرف نظر از تسهیلات مربوط به «طرح های زودبازده و اشتغال زا» که پرداخت آنها به صورت دستوری از طرف دولت و به-عنوان سیاستی ضربتی برای افزایش فرصت های شغلی به بانک ها تکلیف گردیده، دولت اعطای تسهیلات مختلفی از قبیل تسهیلات ازدواج جوانان، مسکن روستایی، افراد تحت پوشش کمیته ی امداد، بهزیستی، زندانیان و نظایر آن را به بانک ها تکلیف می کند. گرچه سهم این نوع تسهیلات در کل تسهیلات شبکه ی بانکی اندک است؛ اما با توجه به شرایط اقتصادی و بر اساس اطلاعات موجود، بخش بزرگی از آن معوق می گردد. این بخش از مطالبات معوق را در حقیقت می توان نوعی یارانه به اقشار کم درآمد جامعه دانست که قاعدتاً باید توسط دولت به بانک ها پرداخت شود. 4* تولیدکنندگان بخش خصوصی؛ شامل بدهی های معوق بخش خصوصی در صنعت، کشاورزی و خدمات (شامل بازرگانی) است و همچنین بدهی های معوق مربوط به طرح های زودبازده را نیز در بر می گیرد. متأسفانه آماری در دست نیست که سهم هر یک از انواع وامهای فوق را مشخص نماید. اما با توجه به شرایط دشوار و چالش هایی که واحدهای تولیدی در کشور ما با آن دست به گریبانند، می توان مطمئن بود که سهم تسهیلات بازرگانی و خدماتی معوق، به میزان چشم گیری کمتر از سهم تسهیلات مربوط به تولید می باشد . الگوهای مناسب جهت وصول مطالبات بانکی وصول مطالبات بانکی را از دو منظر به شرح ذیل می توان بررسی کرد : الگوی اول: در این الگو روش وصول مطالبات را می توان به دو بخش روش بانکی روشهای پذیرفته شده مدیریتی و روش غیر بانکی (حقوقی) تقسیم نمود. در روش بانکی قدرت مانور و ابتکار برای بانک بیشتر محفوظ است و بانک ها با استفاده از ابزارهای مدیریتی و بخشنامه ای می توانند در وصول مطالبات خود در سطح بهتری عمل نمایند که شامل استفاده از نیروهای با تجربه و تحصیل کرده به صورت اشخاص حقیقی و حقوقی به همراه رویه های جدید و تکیه بر روش های پذیرفته شده مدیریت مالی می باشد که تاکید بر مدیریت منابع و مصارف در جهت افزایش بهروری و سعی در به سازی و

مهندسی مجدد عوامل درون سازمانی را دارد، مانند ایجاد شرکت های مشاوره و نظارتی با تخصص، ارائه روش های سرمایه گذاری به بنگاه های اقتصادی و ارزیابی اعتبارسنجی مشتریان که در وصول مطالبات مؤثر خواهد بود. روش حقوقی استفاده از قوانین و مقررات حاکم بر دستگاه قضایی می باشد. به نظر می رسد کاربرد این ابزار در بسیاری از موارد، تسریع در روند وصول مطالبات را با مشکل مواجه می نماید. به تجربه ثابت شده، روش بانکی معمول در بدهکار ایجاد واکنش منفی نمی کند در حالی که روش های غیر بانکی موجب می شود بدهکار در برابر بانک موضع گرفته و از خود دفاع کند یا اموال خود را به غیر به فروش برساند. همچنین استفاده از روش های غیر بانکی برای بدهکارو بانک ها آثار سوایی دارد در صورتی که توسل به روش بانکی فاقد چنین آثاری می باشد. به عنوان مثال طرح دعوا در مراجع قضایی یا صدور اجرائیه ثبتی به آسانی می تواند اعتبار تجاری یا اجتماعی و اقتصادی بدهکار را زیر سؤال برده و در معاملات وی ایجاد اختلال نماید و همچنین آثار سو روش غیر بانکی برای بانک ها نیز متصور است زیرا در اتخاذ روش غیر بانکی، شعب بانک تابع مراجع دیگر شده و ابتکار عمل از دست آنها خارج می شود. با عنایت به این مراتب و با توجه به شناخت از مشتریان و توانمندی آن ها در بازپرداخت بدهی به طوری که واحد تولیدی یا خدماتی دچار مشکل نشود، بهترین رویه برای وصول مطالبات ایجاد بستر مناسب خواهد بود به این معنی که اختیارات ویژه ای برای بانک ها طراحی و تدوین شود تا فرایند وصول مطالبات را در شرایط کنونی تسریع نمایند. ضمن اینکه استفاده از خدمات شرکت های وصول مطالبات با اخذ تضمین های لازم همراه با نظارت کارشناس های خیره مدیریت امور حقوقی و اعتباری را نباید به فراموشی سپرد. روش وصول مطالبات همان گونه که تأکید شد به شرایط مشتری، شرایط قرارداد و برآوردی که از زمان و فرایندی که از انجام کار صورت می گیرد، بستگی دارد. با این وجود، بانک ها همواره بهترین راهکار وصول را در تعامل با مشتری (در صورتی که ضوابط و مقررات قرارداد خود با بانک رعایت کرده باشند) می دانند. حال چنانچه مشتری به هر دلیلی از بازپرداخت تسهیلات امتناع ورزید و با عنایت به اینکه بانک وکیل سپرده گذاران است و باید حافظ منافع آن ها باشد، به نظر می رسد ساختار کنونی بانک ها و الزام های حاکم بر آن در بسیاری از موارد، انجام اقدام های مناسب برای وصول را با محدودیت هایی روبرو کرده است. الگوی دوم؛ در این الگو میتوان اعمال برخی محدودیت های خاص اعتباری و بانکی برای بدحساب ها و تشکیل نهادهای خاص وصول مطالبات از طریق قوه محترم قضایی، سازمان بازرسی و دیوان محاسبات و نیروی انتظامی را طراحی نمود که در مجموع می توانند به کاهش مطالبات معوق منجر شوند. از محدودیت های اعتباری و بانکی برای بدحساب ها در صورتی که مطالبات به سرفصل سررسید گذشته انتقال یابد تا زمان تسویه بدهی می توان به عدم ارائه خدماتی نظیر صدور انواع کارت بانکی، عملیات بانکی با استفاده از کارت اعم از دریافت و پرداخت، انتقال وجه و استفاده از سایر ابزارهای پرداخت الکترونیکی مانند اینترنت را نام برد. همچنین در صورتی که مطالبات بیش از دو ماه در سرفصل مطالبات سررسید گذشته باقی بماند و هنوز به سرفصل مطالبات معوق انتقال نیافته باشد تا یک ماه پس از تسویه بدهی علاوه بر موارد فوق، قبول ضمانت نامه برای سایر اشخاص، افتتاح حساب جاری، خرید و فروش ارز و خرید و فروش چک-های بانکی رمزار، عدم صدور گواهی حساب نیز صورت پذیرد و در صورتی که مطالبات به سرفصل مطالبات معوق انتقال یابد تا سه ماه پس از تسویه بدهی علاوه بر موارد فوق، ارائه هر گونه تسهیلات، افتتاح هر نوع حساب بانکی، پرداخت وجه چک های حساب های متمرکز، صدور ضمانت نامه ها و گشایش اعتبار، صدور هر گونه چک بانکی، صدور انواع حواله و خرید هر گونه سهام، محدود گردیده و نرخ کارمزد خدمات برای آن ها افزایش و دسته چک با رنگ، قطع و اندازه متفاوت، ارائه شود. همچنین در صورتی که بیش از سه ماه در سرفصل مطالبات معوق باقی بماند و هنوز به سرفصل مطالبات مشکوک الوصول انتقال نیافته باشد تا سه ماه پس از تسویه بدهی، مجازات ها و محدودیت های بانکی شدیدتر شده و مشتریان بدهکار از دریافت خدماتی چون صدور ضمانت نامه و گشایش اعتبار در کلیه ی بانک ها و ثبت هر گونه اموال اعم از منقول و غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی محروم گردند. در صورتی که مطالبات به سرفصل مطالبات مشکوک الوصول انتقال یابد، باید علاوه بر تکنیک های فوق، تمامی حساب های جاری و پس انداز مشتریان در کلیه بانک ها مسدود و بانک ها نسبت به برداشت بدهی خود از این حساب ها اقدام و ارائه هر گونه خدمات بانکی برای این مشتریان تا سه ماه پس از تسویه در کلیه ی بانک ها ممنوع گردد و بدهکارانی که برای بار دوم در سرفصل مطالبات معوق قرار بگیرند و ظرف سه ماه نسبت به بازپرداخت بدهی خود اقدام نمایند به مدت دو سال پس از تسویه بدهی از دریافت تسهیلات جدید از کلیه ی بانک ها و مؤسسات اعتباری محروم گردیده و لیست سیاه این دسته از مشتریان، توسط بانک مرکزی در اختیار اداره ثبت اسناد و املاک و احوال قرار گرفته و شناسایی اموال بدهکاران حقیقی و افراد تحت تکفل آنها و همچنین شناسایی اموال بدهکاران حقوقی و مشخصات مدیران و سهامداران عمده ی آنان در اختیار بانک های طلبکار قرار گیرد، بدیهی است اطلاعات فوق به منظور احقاق حق، محرمانه بوده و صرفاً در بانک مورد استفاده قرار خواهد گرفت. نتیجه گیری و پیشنهادها: با بررسی مطالبات معوق سیستم بانکی، می توان از پیشنهادهای ذیل جهت بهره وری هر چه بیشتر تخصیص منابع و کاهش مطالبات معوق در راستای تعریف مدیریت مالی که همان مدیریت بر منابع و مصارف می باشد، بهره جست: - اجرای دقیق بخشنامه ها و دستورالعمل های صادره از سوی بانک مرکزی و نظارت بر حسن اجرای آن، - نظارت دقیق بر مصرف تسهیلات اعطایی در بخش های اقتصادی مربوطه و جلوگیری از جابه جایی آن به دیگر بخش ها، - ایجاد شرکتهای مشاوره سرمایه گذاری و خدمات مدیریتی به صورت طرف قرار داد با بانکها جهت بررسی بیشتر برنامه کاری (BP) ارائه شده به بانکها، - الزام شخصیت های حقوقی به ارائه صورت های مالی و اعلام وضعیت سیستم AIS بنگاه به بانک یا تأئیدیه شرکت های مشاوره سرمایه گذاری و خدمات مدیریتی طرف قرارداد بانک، - اخذ وثایق و تضمین های لازم و کافی و شناسایی سایر دارایی های مشتریان، - اعتبار سنجی هر نوع مشتری بر اساس تفکیک شخصیت حقیقی یا حقوقی جهت پرداخت هر نوع تسهیلات و عدم توجه به هر نوع گردش مالی حساب های اشخاص حقیقی دخیل در مدیریت شرکت ها بر اساس اصول حسابداری (اصل تفکیک شخصیت)، - راه اندازی سیستم اعتبار سنجی مشتریان جهت ارزیابی مشتریان و تضمین کنندگان، - تسریع در جمع آوری اقساط معوقه بدهی های ایجاد شده دولت از منابع داخلی بانک ها و - واگذاری سهام شرکت های دولتی بدهکار به بانک ها یا در نظر گرفتن انتقال 1+50 درصد سهام شرکت های مربوطه جهت امکان دخالت در امور مدیریتی بعد از بررسی لازم و صدور تأئیدیه توسط شرکت های مشاوره مدیریتی. منبع: www.bankbusiness.ir